

درباره سانجی دات جنجالی ترین بازیگر سینمای هند در دهه ۹۰

میانه خوبی با عنوانها، لقبها و جایزه‌ها ندارم



کتاب «سینمای هند» در ۳۵۰ صفحه، نوشته بیژن اشتری، از سری انتشارات کتاب سیامک، اواخر پاییز سال جاری چاپ و منتشر خواهد شد. این کتاب دارای سه بخش است: بخش اول: تاریخ مختصر سینمای هند از آغاز تا پایان سال ۱۹۹۷ بخش دوم: کارگردانان سینمای هند بخش سوم: بازیگران سینمای هند، کتاب مذکور که نخستین کتاب ایرانی درباره سینمای هند به شمار می‌رود، تصویری نسبتاً کامل از سینمای دیروز و امروز هند به خواننده ارایه می‌کند. مطلب زیر که درباره سانجی دات بازیگر صاحب نام هندی است، بخشی از کتاب زیر چاپ «سینمای هند» است که از نظر خوانندگان محترم می‌گذرد.

* * *

بیژن اشتری متولد سال ۱۳۴۳ در شهرستان اراک، دانش‌آموخته رشته فوق لیسانس میکروبیولوژی از دانشکده علوم دانشگاه تهران است. وی فعالیت مطبوعاتی خود را از سال ۱۳۶۶ با مجله «سروش» آغاز کرد. اشتری در کنار کار مطبوعات، تاکنون چند کتاب سینمایی نیز ترجمه و تألیف کرده است. این کتابها عبارتند از: فرهنگ واژه‌های فیلم (۱۳۶۹)، سینمای انگلستان (۱۳۷۱)، کارگردانان سینمای معاصر آمریکا (۱۳۷۴)، جاودانه‌های سینما (۱۳۷۵)، سینمای هند (۱۳۷۶). ضمناً کتابهای زیر نیز از همین نویسنده و مترجم به زودی به بازار کتاب عرضه خواهد شد: مردان پست پرده سینما (انتشارات مؤسسه ایران)، به دوربین نگاه نکن (انتشارات مؤسسه ایران)، سینمای روز جهان (انتشارات بدیبه)، تاریخ مختصر سینمای جهان (انتشارات بدیبه).

* * *

می‌کند. پس از این فیلم بود که سانجی دات به «رامسبری سینمای هند» مشهور شد. هنگامی که دو سه فیلم نخست سانجی به روی پرده آمد، بسیاری از منتقدان چنین نظر دادند که این بازیگر جوان که به لطف حمایت‌های پدر با نفوذش به سینما راه یافته، قادر نیست به ستاره‌ای بزرگ در حد و اندازه‌های والدین بازیگر خود، تبدیل شود. آنها سانجی دات را «هنرپیشه‌ای عضلانی اما فاقد روح» عنوان کردند. با این وصف، چهره جذاب و خونسرد دات و استادی‌اش در صحنه‌های حادثه‌ای و پرتحرک موجب شد تا از همان آغاز کار، توجه تماشاگران را معطوف خویش کند.

سانجی که چند سال قبل از شروع به کار در سینما اعتیاد به مواد مخدر را ترک کرده بود، توانست مرگ مادر دوست داشتنی‌اش، نرگس، را به راحتی تحمل کند. نرگس نه فقط بازیگری بزرگ و مشهور بود بلکه برای سانجی مادری مهربان و فداکار به شمار می‌رفت. گرفتاری‌های سینمایی و سیاسی پدر سانجی موجب شده بود تا وی پیش

سانجی دات در بیست و نهم ژوئیه سال ۱۹۵۹ در بمبئی متولد شد. پدرش سونیل دات و مادرش نرگس، هر دو از بازیگران بنام سینمای هند در دهه‌های پنجاه و شصت میلادی بودند. سانجی در خانواده‌ای مسلمان بزرگ شد. هیچگاه طعم فقر و مشکلات مالی را نچشید زیرا پدرش سونیل دات از راه بازیگری و سپس تکیه زدن بر کرسی پارلمان هند، ثروت بی‌کرانی را فراهم آورده بود. سانجی خیلی زود، در سنین نوجوانی به مواد مخدر روی آورد، بطوری که پدرش، سونی دات، سانجی را از کالج بیرون کشید و به قصد معالجه و ترک اعتیاد، به آمریکا فرستاد. معالجات مؤثر واقع شد و سانجی مواد مخدر را کنار گذاشت. چهره جذاب و اندام ورزیده سانجی دو عامل اصلی در علاقه‌مندی تهیه‌کنندگان هندی به استفاده از او در فیلم‌هایشان بود. به این ترتیب، سانجی دات از سال ۱۹۸۱ بازی در فیلمها را شروع کرد. فیلم راکی نخستین فیلم دات به شمار می‌رود که در آن نقش یک قهرمان بزن بهادر در مایه‌های سیلستر استالون آمریکایی‌ها را بازی

از پیش به مادرش نزدیک شود، اما مرگ نرگس در اوایل دهه هشتاد به سبب بیماری سرطان ضربه بزرگی به سانجی وارد کرد، بطوری که او دوباره به مواد مخدر روی آورد. این بار نیز پدر سانجی به داد او رسید و پسرش را برای معالجه به آلمان فرستاد. سانجی سال ۱۹۸۴ به هند بازگشت و دوران موفق حرفه‌ای خود را از این سال با فیلم قمار زندگی آغاز کرد. با این حال بازی او در فیلم نام به شدت مورد توجه قرار گرفت، بطوری که پس از این فیلم همگان به این نتیجه رسیدند که ستاره‌های بزرگ در سینمای هند زاده شده است.

سانجی سال ۱۹۸۷ با «ریکا شرما»، که یک بازیگر موفق سینمای هند بود ازدواج کرد. این دو برای چند سالی زندگی خوب و شیرینی داشتند که محصلش دختری به نام «شرما» است. با این وصف، زندگی حرفه‌ای سانجی و گرفتاری‌های بی‌پایان او در فیلمها موجب شد تا وی نتواند آن‌طور که از هر پسر و شوهری انتظار می‌رود به خانواده‌اش رسیدگی کند. به این ترتیب ازدواج مذکور در



سانجی دات در کنار جکی شروف، سوباش گای و شاهرخ خان

کیلوگرم از وزن بدنش کاسته شده بود و شرایط جسمی و روحی اش بسیار ناگوار به نظر می رسید. سانجی یک روز پس از آزادی از زندان، در برابر خبرنگاران و نمایندگان رسانه های گروهی هند و دیگر کشورها ظاهر شد. وی که آشکارا تفاوت های فراوانی نسبت به دوران قبل از زندان پیدا کرده بود، یک گردن بند مذهبی بر گردان خود آویخته بود و به جای پیراهن های آستین کوتاهی که همیشه می پوشید، این بار پیراهن سفیدی بر تن داشت. سانجی در این مصاحبه اعلام کرد که آزادی وی مشروط است و شورای عالی قضایی هند که حکم آزادی وی را صادر کرده، او را به پرداخت چهل و پنج هزار دلار محکوم کرده و ضمناً او را از خروج از کشور منع نموده است. سانجی اضافه کرد در حکم آزادی مشروط او ذکر شده که وی مجبور است هر ۵ ساعت یک بار پلیس را از وضع خود آگاه سازد.

به این ترتیب، سانجی دات، دوران دیگری از فعالیت های حرفه ای خود را آغاز کرد. او در اولین گام اعلام کرد قصد دارد ابتدا در فیلم های ناتمام خود که به سبب زندانی شدنش به ورطه بلا تکلیفی افتاده، ظاهر شود. سفاری اولین فیلم ناتمام دات بود که وی قول داد به محض کسب آمادگی های بدنی و فراموش کردن خاطرات ناگوار زندان، در آن بازی کند. دات به قول خود وفا کرد و در چهار فیلم ناتمام سفاری، هنرپیشه، پیروزی، مانهانتا به ایفای نقش پرداخت.

در دورانی که دات در زندان بود، برخلاف تصور غالب کارشناسان سینمای هند، نه تنها از محبوبیت مردمی وی کاسته نشد، بلکه روز به روز بر محبوبیت او افزوده شد تا آنجا که فیلم آندولان با بازیگری وی صرفاً به خاطر حضور سانجی از یک فروش باور نکردنی برخوردار شد. فیلم دیگر دات، موسوم به جی ویکرانتا (ساخته سلطان احمد) نیز صرفاً به لطف حضور دات و افزایش محبوبیت وی به خاطر زندانی شدنش، رکوردهای فروش را در سینماهای هند فرو ریخت به همین خاطر پیش بینی می شد که نمایش فیلم های ناتمام دات نیز بتواند سود سرشاری را برای تهیه کنندگان این فیلمها از پی بیاورد. اما این پیش بینی درست از کار در نیامد و فیلم های مذکور، به جز پیروزی، در فروش گیشه خود با شکست

شرایطی، تهیه کنندگان سینمای هند، بیشترین آسیب را از دستگیری دات متحمل شدند. هنگامی که سانجی دات دستگیر و روانه زندان شد، در ۱۳ فیلم بزرگ بالیوود مشغول بازی بود. دستگیری وی موجب شد تا همه این سیزده فیلم در محاق بلا تکلیفی گرفتار شوند. آماري که بعداً انتشار یافت حکایت از آن داشت که دستگیری پانزده ماهه سانجی دات، موجب وارد آمدن یک ضرر چهارصد میلیون روپهای به سینمای هند شده است.

به هر حال، سانجی علیرغم میل تهیه کنندگان فیلمهایش چاره ای جز تحمل شرایط ناگوار زندان مرکزی شهر بمبئی را نداشت. در طی مدتی که او در زندان به سر می برد، هر روز صدها نفر از هوادارانش جلوی در این زندان تجمع می کردند و شعار «سانجی دات را آزاد کنید» سر می دادند. این تظاهرات و مقاله ها و مطالب چاپی و تصویری که تقریباً همه روز درباره وی در مطبوعات هندی چاپ می شد، موجب شد که تدریجاً مقامات قضایی هند به این نتیجه برسند که قادر به تحمل چنین فشار گسترده ای که از سوی افکار عمومی بر آنها وارد می شود نیستند. مقامات قضایی در توجیه دستگیری دات مدام تکرار می کردند که او به استناد «قانون فعالیت های خرابکارانه» که در سال ۱۹۸۵ به تصویب رسیده، دستگیر و محکوم شده است. قضات بر این نکته پافشاری می کردند که متهم در اتومبیل خود سلاح پرقدرت AK-۵۶ را حمل می کرده، بدون اینکه جواز استفاده از آن داشته باشد و علاوه بر آن با تروریست ها در ارتباط بوده است. از سوی دیگر وکیل دات، مدعی بود که موکل وی فقط به خاطر حمل سلاح غیرمجاز می بایست محاکمه شود و نه به خاطر همکاری با تروریست ها.

اما واقعیت این بود که یکی از عواملی که موجب زندانی شدن سانجی دات شد، وابستگی های خانوادگی او بود. پدر سانجی، سونیل دات، یک عضو سرشناس پارلمان هند و یکی از اعضای متنفذ و عالی رتبه حزب کنگره است. بسیاری معتقدند که جناح های رقیب در حاکمیت هند با زندانی کردن سانجی در واقع خواسته اند از پدر وی انتقام بگیرند.

سانجی دات، دوران زندان را با تحمل سختی های بسیار سپری کرد. او هنگامی که از زندان آزاد شد ۱۵

اوایل دهه نود به طلاق انجامید. سانجی بعد از طلاق، «شرما» را به نیویورک فرستاد و او که هم اینک دختر بچه ای ده ساله است، در نیویورک زندگی و تحصیل می کند. ریکا شرما چندی قبل در اثر تصادف در آمریکا فوت کرد.

سانجی دات تا قبل از دستگیری پر سروصدایش در جولای ۱۹۹۴ در نزدیک به ۷۰ فیلم بلند سینمایی بازی کرده بود که از این میان فیلم کال - نایاک با فروش حیرت آورده میلیون دلاری در طی ده هفته نخست اکران خود در سینماهای هند، شاخص ترین فیلم دات به شمار می رود. در نیمه نخست دهه نود، سانجی دات به سبب انبوهی از فیلم های موفق و پر فروش خود، مبدل به قدرتمندترین ستاره سینمای کشورش شده بود، بطوری که همگان او را جانشین شایسته آمیتا باچان لقب داده بودند.

زندگی سانجی دات، در طی سالهای ۱۹۹۳ و ۱۹۹۴ دستخوش اتفاقات عجیب و غریبی شد؛ اتفاقاتی که تا پیش از این فقط بر روی پرده سینماهای هند، روی می داد. این بار خود سانجی دات در مرکز یک واقعه هیجان انگیز تروریستی قرار گرفته بود. در اوایل سال ۱۹۹۳، اختلافات میان هندوها و مسلمانان هند رو به شدت گذاشت. اوج این درگیری ها، مارس سال ۱۹۹۳ بود؛ روزی که ۱۳ بمب قوی و ویرانگر در نقاط مختلف شهر بمبئی جایی که مرکز فیلم سازی هند در آن واقع شده است - منفجر شد. این بمبها ویرانی های بسیاری بر جای گذاشت و موجب کشته شدن نزدیک به ۳۰۰ هندی بی گناه شد. کمی بعد، یعنی در آوریل همان سال، روزنامه های هند خبر دادند که سانجی دات، بازیگر نامدار سینمای هند، به جرم اختفای اسلحه های سنگین و مواد تخریبی منفجره در خانه اش و نیز حمل و نقل سلاح های سنگین چون AK-۵۶ دستگیر و زندانی شده است. بعداً مقامات قضایی اعلام کردند که سانجی دات متهم است که با بمب گذاری های مارس ۱۹۹۳ در شهر بمبئی مرتبط است و سلاح های مذکور را برای تحویل دادن به تروریست ها خریداری و مخفی کرده است.

در پی اعلام دستگیری دات، سینماگران هندی از مقامات قضایی خواستند که این همکار سرشناسان را آزاد کنند زیرا بی گناهی او مسلم است. این اعتراضات نتیجه داد و سانجی پس از چند روز بازداشت از زندان آزاد شد. اما این آزادی موقت بود و بار دیگر، دستگیر و روانه زندان شد. مقامات قضایی اعلام کردند که در ارتباط با این بمب گذاری ها یک صد و سه نفر در مظان اتهام هستند و آقای دات نیز به رغم شهرت بسیار زیادش در عالم سینما، یکی از متهمان اصلی این پرونده است. دادستان دادگاه سانجی دات، مدعی شده بود که این بازیگر هندی در طی مسافرت های خود به پاکستان و دیگر کشورها، با تروریست های بین المللی در ارتباط بوده و به آنها برای عملیات تخریبی خود در هند کمک می کرده است. اما در مقابل، سانجی دات بر بی گناهی خود اصرار می کرد و مدعی بود که سلاح های مذکور را صرفاً برای دفاع از خود خریداری کرده بود. او چند روز پس از دستگیری اش در این مورد گفت: «همه می دانند که من عاشق جمع آوری انواع سلاح ها هستم و کلکسیون هفت تیر و تفنگ دارم. جدای از این، من در سال ۱۹۹۳، قبل از اینکه حادثه بمب گذاری در بمبئی روی بدهد، تقریباً هر روز پیام های تهدید به قتل دریافت می کردم. من به همین خاطر برای حفظ جان و امنیت خود و خانواده ام اقدام به خرید و نگهداری سلاح های مذکور کردم. من تروریست نیستم، حرفه من بازیگری و سرگرم کردن مردم است و دلیلی ندارم که در این نوع اقدامات خشونت آمیز شرکت کنم».

به رغم اعتراضات گسترده دوستداران سانجی دات و تماشاگرانی که عاشق فیلم های او بودند، این بازیگر نامدار سینما به زندان «آرتو»ی شهر بمبئی انتقال یافت. در چنین

روبه رو شدند. عدم توفیق این فیلمها این فرضیه تازه را مطرح کرد که سانجی دات بازیگری متعلق به یک دوران سپری شده است و در فاصله ۱/۵ سالی که وی در زندان بوده، سینمای هند دستخوش تغییرات تازه‌اش شده و دیگر مثل سابق سانجی دات حرف اول این سینما را نمی‌زند. با این وصف، سانجی دات با فیلمهای بعدی خود، همچون عظمت و وحشت ثابت کرد که این فرضیه تا چه حد اشتباه است و او همچنان قادر است حرف نخست را در سینمای کشورش بزند.

* * *

□ شما را بهترین هنرپیشه سینمای هند طی ده سال اخیر لقب داده‌اند؛ آیا واقعاً خودت را بهترین بازیگر سینمای هند می‌دانی؟

■ من در طی این ده سال، در بیش از هشتاد فیلم بازی کرده‌ام. تا دو سال دیگر سابقه بازیگری من به ۲۰ سال می‌رسد و ۲۰ عدد بسیار مهمی است. من خیلی میانه خوبی با عنوانها، لقب‌ها و جایزه‌ها ندارم. فکر می‌کنم این مردم و تماشاگران هستند که با استقبال خودشان جایگاه یک بازیگر را مشخص می‌کنند. زمانی بود که بسیاری از منتقدان از بازی من انتقادهای تند و تلخی می‌کردند، اگر کس دیگری جای من بود شاید پس از خواندن و شنیدن این حرفهای نومیدکننده و تلخ، برای همیشه کار بازیگری در سینما را رها می‌کرد. اما من توجهی به این حرفها نکردم، در مقابل سعی کردم در هر فیلمی که بازی می‌کنم چیزی بر دانسته‌ها و توانایی‌های خود اضافه کنم. و چون این میل خواستن در من قوی بود، توانستم در هر فیلم نسبت به فیلم قبلی خود گامی به جلو بردارم. اگر امروز بازیگر موفق هستم، آن را تا حد زیادی مرهون پافشاری خود و عشق پایان‌ناپذیرم به سینما می‌دانم. در هر حال، از اینکه مرا بهترین بازیگر سینمای هند طی ده سال گذشته عنوان کرده‌اند خوشحالم، اما این عنوان نباید من و شما را به این اشتباه بیندازد که دیگر بازیگران این دهه در کار خود موفق نبوده‌اند. نه اینطور نیست، هنوز بازیگران بسیاری هستند که من به کار آنها غبطه می‌خورم؛ بازیگرانی که از من جوانتر هستند و حتی در آغاز کار حرفه‌ای خود قرار دارند.

□ هر چند دوست نداریم با یادآوری خاطرات زندان، شما را ناراحت کنیم، اما مایلیم در این بازه از زبان خودتان بشنویم که زندان چه تأثیری بر شما گذاشت؟

■ گرچه دوران پانزده ماهه زندان برای من بسیار سخت و ناگوار سپری شد اما نکات مفیدی هم برایم داشت. اما اجازه دهید ابتدا از سختی‌های زندان برایتان سخن بگویم و سپس از دستاوردهای خوب آن. هرگز شب اولی را که در آن سلول ۳ متر در ۳ متر زندان «آرتو»ی بمبئی مجبور بودم بر کف سنگی و کثیف آن بخوابم فراموش نخواهم کرد. من فقط دوبار گریه کرده‌ام، یک بار در مرگ مادر محبوب و عزیزم نرگس در سال ۱۹۸۱ و بار دوم در جولای ۱۹۹۲ هنگامی که اولین شب را در زندان بمبئی سپری کردم. زندانبانان آن زندان آدمهایی بودند که عادت به بدرفتاری با زندانبانان داشتند. آن‌جا مثل یک جهنم واقعی بود. حتماً در خبرها خواندید که در همان ایامی که من زندانی بودم، «راجان پیلایی» کارخانه‌دار هندی نیز در همان زندان درگذشت. او روز چهارم زندانی شدنش به سبب ابتلا به یک خونریزی داخلی درگذشت. زندانبانان و مسئولین زندان، بیماری او را جدی نگرفتند و آنقدر با تأخیر او را روانه بیمارستان کردند که دیگر کار از کار گذشته بود. من شانس آوردم که آدم مشهوری بودم و گر نه من هم سرنوشتی مشابه «راجان پیلایی» در انتظارم بود.

□ پس به ما بگویید که شرایط سخت زندان را چگونه تحمل کردید؟

■ با ذکر خدا و مطالعه کتابهای مذهبی، شبایلی‌های مذهبی‌ای که به در و دیوار سلول کوچکم زده بودم به من امید به آینده و امید به آزادی می‌دادند. من در زندان خدا را کشف کردم و این همان دستاورد بزرگی است که زندان موجب آن شد. وقتی که از زندان آزاد شدم به خبرنگاران جمله‌ای را گفتم که هنوز هم گهگاه زیر لب آن را تکرار می‌کنم؛ به آنها گفتم که مردم برای نزدیک‌تر شدن به خدا، به بلندی‌های سلسله جبال هیمالیا، قله اورست، و یا به اعماق جنگل‌های دور دست می‌روند اما من خدای بزرگ را در زندان یافتم. گرچه در خانواده‌ای مسلمان بزرگ شده‌ام اما هیچوقت اعتقادات مذهبی محکمی نداشتم، در زندان فرصتی بود تا با خودم خلوت کنم، دیگر هیاهوی مردم و تشویق‌های آنها نبود تا خودم را گم کنم، در زندان می‌توانستم فارغ از تمامی مسایل حاشیه‌ای که یک ستاره سینما همیشه درگیر آن است، با خودم خلوت کنم، به هستی و فلسفه آفرینش بیندیشم، و وضع ناگوار خودم را در این جهان پر آشوب بررسی کنم، عاقبت این تعمق‌ها و بررسی‌ها این بود که خدای بزرگ ناظر بر رفتار و اعمال ماست و هم اوست که به دعاها و تقاضاهای خالصانه ما جواب مثبت می‌دهد. من صرفاً با توسل به ذکرها و دعاهای مداوم در زندان بودم که به خودم روحیه می‌دادم، شاید هر کس دیگری بود شرایط ناگوار زندان جهنمی «آرتو» را تاب نمی‌آورد و از نظر روحی و جسمی متلاشی می‌شد، گرچه وقتی از زندان آزاد شدم ۱۵ کیلوگرم

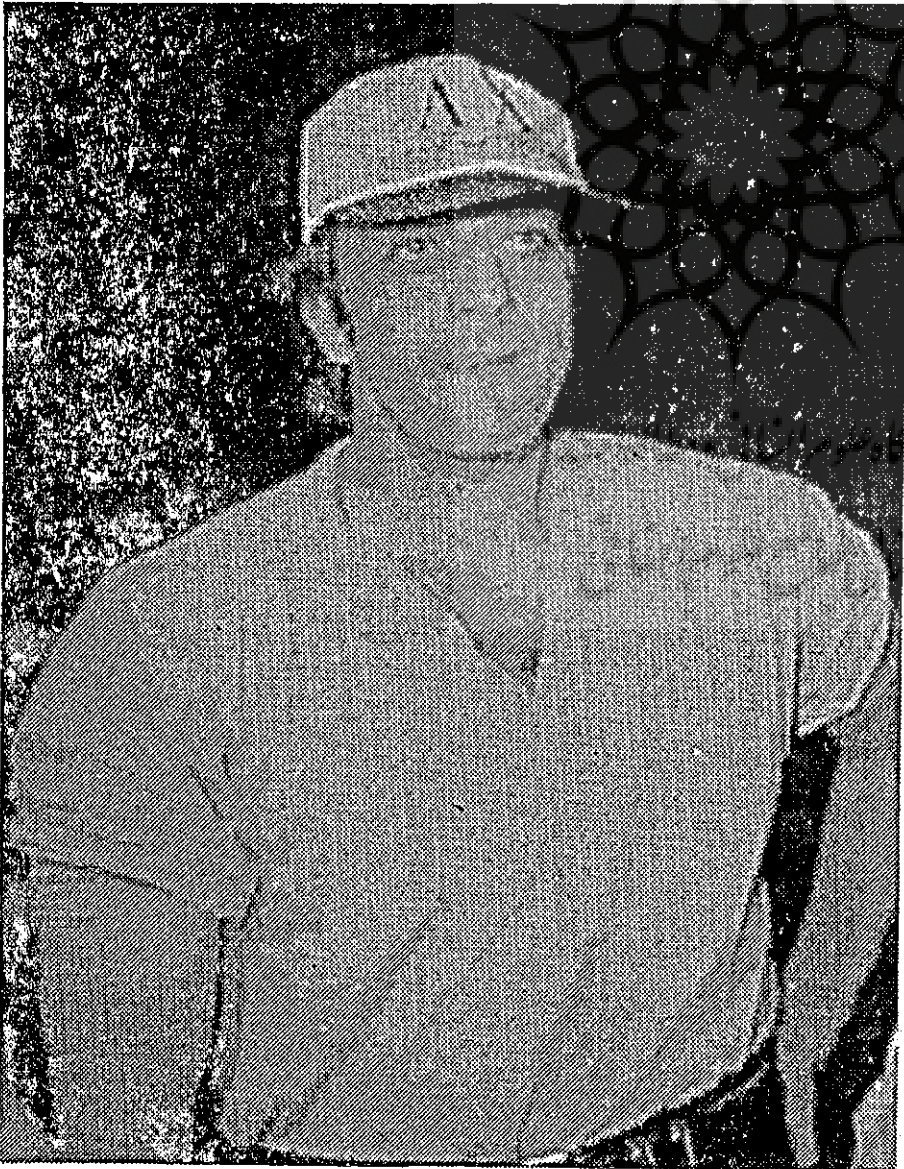
از وزن بدنم کاسته شده بود و در یک شرایط ناگوار جسمی به سر می‌بردم، اما روحیه بسیار خوبی داشتم.

□ موقعی که شما زندانی بودید، همکاران سینمایی شما، برای آزادی‌تان فعالیت چندانی نکردند، آیا این موضوع موجب ناراحتی شما نمی‌شود؟

■ متأسفانه آنچه می‌گویید حقیقت دارد. چه بسا عده‌ای از همکارانم از زندانی شدن من احساس شادمانی نیز کرده باشند اما واقعاً اهمیت ندارد، من کار چندان زیادی برای آنها انجام نداده بودم که حالا توقع جبران آن را داشته باشم. به هر حال، آنها هم گرفتاری‌های خود را داشتند و من شرایط و معذورات آنها را کاملاً درک می‌کنم. در مقابل، این مردم عادی کوچک و بازار بودند که همه روزه جلوی در زندان و دادگاه جمع می‌شدند و به طرفداری از من تظاهرات می‌کردند. این حمایت‌ها بود که به من نیرو می‌داد تا بتوانم شرایط بد زندان را تحمل کنم.

□ زندان، جدای از اینکه موجب شد شما خدا را پیدا کنید، چه تغییرات دیگری را در رفتار و کردار شما به جای گذاشت؟

■ سؤال خوبی است. من تا قبل از زندان، یک آدم عجول و تا حدودی سطحی‌نگر و مسامحه‌کار بودم. اما زندان تمامی این خصوصیات را از من گرفت و برامبدل به آدمی دقیق، ملاحظه‌کار و آرام کرد. حالا نسبت به مسایل و پدیده‌های زندگانی‌ام، با دقت و آرامش بیشتری نگاه می‌کنم. دیگر هیچ چیز نمی‌تواند سبب خوشحالی بسیار زیاد و یا ناراحتی بسیار زیاد من شود. به یک آرامش درونی دست یافته‌ام که محصل دوران زندان است. □ فیلمهایی که بعد از آزادی شما از زندان، با بازیگری



شما روی اکران رفت چندان موفق نبودند، فکر می‌کنید دلیل آن چیست؟

■ فروختن یا نفروختن فیلمها امر پیچیده‌ای است، فرمول خاصی در این مورد نمی‌توان ذکر کرد، عوامل متعددی در شکست یا توفیق تجاری یک فیلم شریکند که بازیگر یکی از آن عوامل است البته می‌پذیرم که در سینمای هند، نقش بازیگر در توفیق یا شکست یک فیلم بسیار مهم است، اما نباید فراموش کرد که این عامل تنها عامل تعیین‌کننده نیست. جدای از این، شما کدام بازیگر را در سینمای هند سراغ دارید که تمامی فیلمهایش از نظر تجاری موفق باشند، این طبیعت حرفه سینماست.

□ فیلم «عظمت» از جمله فیلمهای موفق شما در دوران اخیر است، فکر می‌کنید عامل اصلی موفقیت این فیلم کدام است؟

■ انوار سراج، کارگردان عظمت، از بودجه و امکانات کافی برای ساختن فیلمش برخوردار بود و توانست به خوبی از همه این امکانات استفاده کند. من نقشی مشابه فیلم کال-نایاک (پرفروش‌ترین فیلم سانجی دات در دهه هشتاد) را در این فیلم بازی کرده‌ام؛ یکی از همان نقشهای حادثه‌ای و پرتحرک.

□ عده‌ای معتقدند در فاصله مدت زمانی که شما زندان بودید، سینمای هند و داتشقه تماشاگران دستخوش تغییرات بسیاری شده، بطوری که دیگر بازیگرانی چون شما مثل سابق مورد توجه نیستند.

■ این حرف را زیاد شنیده‌ام، اما ببینید واقعیت آن است که در یک مدت زمان ۱۵ ماهه، سینمایی به عظمت و

گسترده‌گی سینمای هند نمی‌تواند دستخوش تغییرات جدی و اساسی شود. اگر نظر مرا به عنوان فردی که نزدیک ۲۰ سال است در این سینما حضور دارد بپذیرید، باید بگویم که سینمای هند در یک مسیر طولانی مدت تغییر و تحول به سر می‌برد. این تغییرات تدریجی است و شاید در طول ۵ یا ۱۰ سال خود را نشان دهد.

□ شنیدیم که برای بازی در فیلم تازه‌تان، قرار است به خارج از کشور بروید؟

■ بله، فیلمبرداری دو فیلم تازه من، کارتوس و داس، می‌بایست در آمریکا انجام شود. بنابراین تقاضای ویزای ورود به آمریکا کرده‌ام. البته به خاطر حکم دادگاه ممنوع‌الخروج هستم، اما موافقت مسئولان را گرفته‌ایم که اجازه دهند به خاطر این دو فیلم، به ویژه به خاطر فیلم داس که یک کار تاریخی و سیاسی است، از کشور خارج شوم.

□ از فیلمهای تازه خود بگویید؟

■ من هنگامی که از زندان آزاد شدم، با خودم قرار گذاشتم که برای ۶ ماه استراحت کنم و خود را از حیث بدنی و جسمی به مرز مطلوب آمادگی برسانم. قرار بعدی‌ام با خودم این بود که بعد از سه‌ری شدن آن ۶ ماه، هر سال فقط در ۳ یا ۴ فیلم خوب بازی کنم. دلیل این امر نیز کاملاً مشخص است، من دختر نوجوانی دارم که نیازمند محبت و رسیدگی پدرش است. اگر بخوام مثل سالهای قبل، هر سال در ۱۰ فیلم بازی کنم هرگز فرصتی برای رسیدگی به خانواده خود پیدا نخواهم کرد. اما از فیلمهای تازه‌ام می‌توانم به فیلم دشمن اشاره کنم که توسط «پوجا بات» (فرزند ماهش بات، کارگردان صاحب نام سینمای هند) کارگردانی شده و من در آن با کاجل همبازی‌ام. فیلم دیگری که حساب تازه‌ای روی آن باز کرده‌ام، سفر نام دارد که آن را «جیوتین گوئل» می‌سازد و در آن با جوهری چاولا همبازی‌ام. قرارداد بازی در فیلم نایاک به کارگردانی «رام گوپال ورما» را هم امضاء کرده‌ام که با توجه به فیلمنامه‌اش تصور می‌کنم از فیلمهای بسیار موفق سال ۱۹۹۷ باشد. و البته بازی در دو فیلم کارتوس و داس را هم در برنامه خود دارم و این فیلمها مجموعاً کل کار سینمایی من در طی سالهای ۱۹۹۶ و ۱۹۹۷ هستند.

قابل توجه علاقمندان سینما و تئاتر

بزرودی

دومین ویژه‌نامه

استثنایی

صد عکس

صد خاطره، صد هنرمند

با خاطرات جذاب و شنیدنی و عکسهای

بی‌نظیری از بازیگران، کارگردانان و

دیگر هنرمندان تئاتر و سینما

منتشر می‌شود